

طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان ایرانی در پایه اول ابتدایی

Curriculum Design for Teaching Philosophy to Iranian Children in the First Grade of Primary School

Narges Sajjadian Jaghargh *

Yahya Ghaedi **

Masoumeh Amiri ***

Received:4/May/2015 Accepted:15/Jul/2015

نرگس سجادیان جاغرق

یحیی قائدی

معصومه امیری

دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۳

چکیده:

Abstract

One of the goals of education is training people with awareness and somehow thinking which is based on philosophical reasoning, making them deal with the world around them with a comprehensive and a deep thought, ability to study various aspects of the life's problems and having high flexibility toward them.

Today one of the notified curriculums for achieving those above goals is introduced as "teaching philosophy for children".

This study is going to design curriculum for teaching philosophy to Iranian children in the first grade of primary school with secondary following objectives such as setting goals; determining outlines of curriculum contents; specifying and identifying teaching-learning strategies and crediting curricula.

Developmental methodology that followed by this research, is done by analytical-descriptive method combined with survey method.

In order to validate the designed curriculum, a questionnaire was formulated and sent to 20 experts in this field.

Research findings indicated that most experts have evaluated proposed goals, content outlines, and teaching-learning strategies with relatively desired accredit.

یکی از اهداف هر نظام آموزشی، تربیت انسان‌های هشیار و آگاهی است که تفکر خود را بر پایه استدلال صحیح و منطقی بنا نهاده و در برخورد با دنیای پیرامون خویش با اندیشه‌ای جامع و عمیق، جوانب مختلف امور را بررسی می‌نماید و قابلیت انعطاف بالایی در مواجهه با مسائل زندگی داشته و به عبارتی ذهن فلسفی دارند.

در این راستا، یکی از برنامه‌های درسی که در دهه‌های اخیر به‌منظور پرورش تفکر فلسفی و فلسفه‌ورزی در دانش‌آموزان شکل گرفته، برنامه درسی فلسفه برای کودکان است.

هدف از پژوهش حاضر، طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان پایه اول ابتدایی با دست‌یابی به اهداف ثانویه‌ای همچون هدف‌گذاری، تعیین سرفصل‌های محتوایی برنامه، شناسایی و تعیین راهبردهای یاددهی-یادگیری و اعتباربخشی برنامه‌ها است.

روش تحقیق استفاده شده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که همگام با روش پیمایشی برای اعتباربخشی برنامه‌ها می‌شود. برای اعتبارسنجی برنامه درسی طراحی شده، پرسشنامه‌ای تنظیم گردید. این پرسشنامه، برای ۲۰ نفر از متخصصان برنامه درسی و آموزش فلسفه به کودکان ارسال شد. بر اساس یافته‌های تحقیق، اکثر متخصصان، اهداف پیشنهادی، رئوس محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری و رویکردهای این پژوهش را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

کلید واژگان: آموزش فلسفه به کودکان، برنامه درسی، محتوای

آموزشی، پایه اول ابتدایی.

Keywords: Teaching Philosophy for Children; Curriculum- Training Contents- First Grade of Primary School.

*کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی (تربیت

معلم تهران) (نویسنده مسئول) Email:Sajadiyan@yahoo.com

**استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی (تربیت

معلم تهران) Email:yahyaghaedy@yahoo.com

***دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی

(تربیت معلم تهران) Email: amiry_masome@yahoo.com

* Msc of Philosophy of Education Kharazmi University

Email: sajadiyan@yahoo.com

**Associate Professor of Kharazmi University, Tehran

Email:yahyaghaedy@yahoo.com

***PhD student of Philosophy of Education of Kharazmi University

Email: amiry_masome@yahoo.com

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

ماتیو لیپمن^۱ و دستیاران وی نخستین برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان را در دانشگاه مونتكلیر^۲ نوشته تهیه کردند. این برنامه درسی که بررسی‌های اولیه آن تقریباً از سال ۱۹۶۹ شروع شده است؛ تاکنون به صورت یک برنامه درسی کامل برای کل دوران مدرسه (k-12) درآمده است. این برنامه، در صدها مدرسه در آمریکا و ۱۶۰ کشور دنیا به صورت داوطلبانه اجرا می‌شود. این برنامه، ۲ تا ۴ ساعت از اوقات مدرسه کودکان را در طول هفته در مدرسه و خارج از آن، به خود اختصاص می‌دهد و کلاس، به صورت یک اجتماع پژوهشی که در آن کودکان پیرامون داستان‌های خوانده شده در کلاس به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند، اداره می‌شود (فیشر، ۱۳۸۵: ۴۹). اهداف کلی این برنامه درسی متوجه کل پایه‌های درسی است و از پایه ۱ تا ۱۲، پیگیری می‌شود. برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در سه دهه گذشته، هدف‌های متنوعی دربرداشته است. این اهداف، در قالب محتوای داستانی و روایی ریخته شده و در اختیار معلم و شاگرد قرار گرفته است. کتب اولیه در این زمینه شامل قصه، داستان و رمان بوده است. در حال حاضر، هر موضوعی می‌تواند محتوای برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان قرار گیرد (قائدی، ۱۳۸۳: ۳۸). محتوا، اغلب به صورت داستان است زیرا کودک خود را با شخصیت‌های داستانی مقایسه می‌کند. این کار بیشتر به صورت عقلانی و فکری صورت می‌گیرد و کمتر هیجانی است. کودکان با توجه به سبک و شخصیت‌های داستان صحبت و فکر می‌کنند. در داستان‌ها از زبانی استفاده می‌شود که به زبان واقعی کودک شباهت دارد و مطابق با مراحل رشد شناختی کودک است (قضاوی، ۱۳۸۵: ۲۶). مطالعات نشان

می‌دهد کودکان به دلیل داشتن ویژگی‌ها و تمایلات خاص روحی، بیش از بزرگترها به قصه علاقه دارند و به همان نسبت زودتر و بیشتر ماجراهای آن را باور می‌کنند و عمیق‌تر تحت تأثیر موضوع و شخصیت‌های داستانی قرار می‌گیرند (عطاران، ۱۳۷۵: ۱۲۴).

برنامه درسی که لیپمن ارائه داده است با توجه به فرهنگ و شرایط اجتماعی کشور خود او است و با فرهنگ کشور ما چندان سنخیت ندارد و اگر قرار باشد همان برنامه درسی را با همان کیفیت به کودکان ارائه دهیم به صورت نامحسوس برای کودکان را دچار تعارض خواهیم کرد. چراکه مطالب موجود در این داستان با فرهنگ ما همخوانی ندارد و ممکن است به صورت غیرمستقیم بدآموزی داشته باشد. برخی از متونی که لیپمن نوشته است در همه کشورها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد (قائدی، ۱۳۸۵: ۴۳)، زیرا یا قدیمی شده‌اند و یا با بافت اجتماعی برخی جوامع سازگار نیستند (مرعشی، ۱۳۸۵). وابستگی فرهنگی این داستان‌ها، چون به عناصر انتزاعی تفکر برمی‌گردند، کم می‌شود و در عین حال به صفر نمی‌رسد. ممکن است بعضی داستان‌ها صیغه‌های فرهنگی داشته باشند. اما باید از میان آن‌ها گزینش کرد. برخی از داستان‌ها را می‌توان بازنگری کرد یعنی داستان را با توجه به ادبیات و فرهنگ هر کشور بیان کرد (باقری، ۱۳۸۳). می‌توان از بسیاری از این داستان‌ها استفاده کرد، لذا باید داستان‌ها با ویژگی‌های فلسفی، روان‌شناسی و رشدی هر مقطع، متناسب کرد (قائدی، ۱۳۸۵: ۱۲). لذا ضروری است که به تدوین و گزینش متون متناسب با شرایط محیطی و اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش اقدام کنیم. زیرا مسائل مختلف هر کشور متناسب با استعداد و تجربیات تاریخی و فرهنگی همان کشور است (شریعتمداری، ۱۳۶۲: ۵۳).

در این زمینه، تحقیقات مختلفی در سرتاسر دنیا انجام شده است و این برنامه عملاً در برخی مدارس به

1.Lipman

2.Montclair university



که به اعتقاد نویسندگان، فلسفه ادبیات کودک ناگزیر از پرداختن به آن است، عبارت‌اند از: ۱) فلسفه ادبیات کودک بومی است. ۲) فلسفه ادبیات کودک در مرحله خاصی از پدیداری خویش، فلسفه خاص در ادبیات کودک نیز هست. ۳) فلسفه ادبیات کودک هم توصیفی و هم تجویزی است. به اعتقاد نویسندگان همین ویژگی‌ها فلسفه ادبیات کودک را به حوزه فلسفه آموزش نزدیک می‌کند.

قائدی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مبانی نظری برنامه فلسفه برای کودکان» مبانی نظری برنامه فلسفه برای کودکان را به‌طور جامع مورد بررسی قرار داده‌است. از مهمترین ویژگی‌های این پژوهش، مشخص نمودن معنای فلسفه در برنامه فلسفه برای کودکان، پاسخگویی به منتقدین برنامه فلسفه برای کودکان، به‌ویژه فلاسفه تحلیلی و طرفداران پیازه و مشخص نمودن اجزاء برنامه فلسفه برای کودکان است. با توجه به نبودن موضوع در داخل کشور، پژوهش قائدی نقش بسزایی در معرفی و ترویج این برنامه در داخل کشور داشته است.

حاجی‌نصرالله (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «چگونگی طرح مفاهیم انتزاعی در ادبیات کودکان»، که در پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان به چاپ رسیده است، به معرفی انتزاع در گونه‌های مختلف ادبی، به‌ویژه در ادبیات کودکان می‌پردازد. مانند معرفی آثار لئونوئی نویسنده و تصویرگری که از کتاب‌های مصور برای طرح مفاهیم فلسفی برای کودکان استفاده می‌کند و با بهره‌گیری از سبک واقع‌گرا، به طرح مفاهیم انتزاعی برای ایشان می‌پردازد.

مرعشی (۱۳۸۵) در رساله دکتری خود با عنوان «بررسی تأثیر روش اجتماع‌پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز» در دانشگاه شهید چمران اهواز، به بررسی

اجرا درمی‌آید (در کشور ما نیز چند سالی است که در این زمینه پژوهش‌های نظری و تئوریک بسیاری انجام شده‌است تا بتوان این برنامه را به‌صورت عملی اجرا کرد). بر این اساس، برای اجرای آکادمیک این برنامه با توجه به پژوهش‌های نظری انجام‌شده، محققان تصمیم گرفتند که به طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه در پایه اول ابتدایی اقدام نمایند.

پیشینه پژوهش

الف) پیشینه داخلی پژوهش

خدایار محبی (۱۳۷۷) کارشناس ادبیات کودک و نوجوان در کانون پرورش فکری کودک و نوجوان در مقاله‌ای با عنوان «ادبیات فلسفی برای کودکان» که اولین ترجمه آثار لیپمن در ایران به حساب می‌آید، ضمن پذیرش دیدگاه لیپمن، به معرفی دیدگاه وی می‌پردازد و با نوشتن خلاصه‌هایی از داستان‌های روبم آکوز، او را به عنوان نویسنده‌ای که در داستان‌های به طرح مفاهیم انتزاعی پراخته، معرفی می‌کند.

جهانی (۱۳۸۰) در رساله دکتری خود در دانشگاه تهران با عنوان «نقد و بررسی مبانی فلسفی و بنیادین الگوی آموزش تفکر انتقادی لیپمن» پنج اصل اساسی و محوری الگوی لیپمن یعنی توجه به زمینه‌گرایی، تأکید بر نسبت‌گرایی، توجه به داوری به‌عنوان هدف تعلیم و تربیت، استفاده از روش فرضیه‌ای-قیاسی و تأکید بر ملاک به عنوان عامل اصلی توجه دهنده تفکر انتقادی را مورد بررسی قرار داده‌است. نتایج این پژوهش نشان داد که بکارگیری رویکرد نسبت‌گرایی و مردود دانستن دیدگاه عینیت‌گرایی، الگوی لیپمن را با محدودیت‌های جدی مواجه کرده است.

خسرونژاد (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌ها و مسائل ادبیات کودک» ضمن پرداختن به ویژگی‌ها و موقعیت ادبیات کودکان، به طرح مهمترین ویژگی فلسفه ادبیات کودکان پرداخته است. مسائل و بنیادهایی

به پرسش‌های زیر برآمده است: (۱) آیا برنامه درسی پیکسی، عناصر و ویژگی‌های یک برنامه درسی را دارد؟ (۲) این برنامه بر مبنای کدام رویکرد تفکر تدوین شده است؟ (و ۳) آیا این برنامه با برنامه آموزش فلسفه به کودکان هماهنگی دارد؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که لیپمن در طراحی برنامه پیکسی اصول برنامه درسی را رعایت کرده است. همچنین در این برنامه مجموعه‌ای از مهارت‌های استدلال گنجانده شده و امکان قرار دادن آن در قالب برنامه درسی مدارس وجود دارد.

مختاری (۱۳۸۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تبیین و تحلیل محتوای ادبیات داستانی کودکان» از دانشگاه تهران، به جست‌وجوی مفاهیم فلسفی با توجه به سه حوزه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی؛ و روش‌های آموزش مفاهیم در داستان‌های برگزیده پرداخته است. در این پژوهش ۴۱ داستان برگزیده کانون پرورش فکری کودک و نوجوان، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که داستان‌های برگزیده، ۴۹ درصد مفاهیم به حوزه هستی‌شناسی، ۳۹ درصد به حوزه ارزش‌شناسی و ۱۲ درصد به حوزه معرفت‌شناسی اختصاص داشته است. در ارتباط با روش‌های ارائه محتوا و آموزش مفاهیم توسط نویسندگان، در ۷۲ درصد، نویسندگان خود راوی داستان‌های کودکان بوده‌اند و در ۲۸ درصد داستان به صورت گفت‌وگو میان شخصیت‌های داستانی روایت شده است.

ب) پیشینه پژوهش در خارج از کشور

بیشتر تحقیقات انجام شده در سال‌های اخیر، از تأثیرات مثبت برنامه فلسفه برای کودکان، بر توانایی استدلال کودکان حمایت خبر می‌دهند. بسیاری از تحقیقات، در آغاز این برنامه برای اثبات ارزش این برنامه و اثر بالقوه آن بر توانایی استدلال کودکان بوده است.

تأثیر روش اجتماع‌پژوهشی بر استدلال کودکان پرداخته است. اهداف این پژوهش عبارت بودند از: ۱. بررسی تجربی امکان اجرای این برنامه؛ ۲. علاقه‌مندی در زمینه آموزش فلسفه؛ و ۳. آشنا کردن معلمان، مدیران آموزش و پرورش و دانشجویان با این برنامه. در این پژوهش آموزش فلسفه، با استفاده از کتاب‌های داستانی به مدت یازده جلسه در دو گروه آزمایشی انجام گرفت. در این جلسات دانش‌آموزان گروه آزمایش در موضوعاتی با عنوان «طرح بحث» به شیوه اجتماع‌پژوهشی، مشارکت داشتند. نتایج پژوهش نشان دهنده این بود که روش اجتماع‌پژوهشی در پرورش مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان در گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه تأثیر مثبتی داشته است.

هاشمی (۱۳۸۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب‌های درسی پایه پنجم دوره ابتدایی»، در دانشگاه شیراز، به بررسی میزان بکارگیری مؤلفه‌های تفکر انتقادی لیپمن نظیر: پرسیدن، تحلیل و ارزیابی، استدلال، ارزیابی شواهد و اطلاعات، تفسیر داده‌ها، جمعی بودن، قضاوت صحیح درباره مسائل، منطقی بودن و همچنین صراحت، در دروس ریاضی و علوم پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میزان توجه به مؤلفه‌های نامبرده، در کتاب علوم بیش از ریاضی است و می‌توان تأثیر مشکلات حاصل از بی‌توجهی به مؤلفه‌های تفکر انتقادی را علاوه بر محتوای کتاب‌ها در پارامترهای دیگری مانند روش تدریس نیز، جستجو کرد.

قضاوی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «نقد و بررسی برنامه آموزش فلسفه به کودکان در پایه سوم (پیکسی) بر اساس اصول برنامه ریزی درسی» در دانشگاه تربیت معلم تهران، درصدد پاسخ



نه اینکه به مطالعه علم فلسفه بپردازند. فلسفه به معنای علم و معرفت است و تنها بهترین دانشجویان شایستگی اخذ درجه دکتری این رشته را دارند.

ژوزفین راسل (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «آگاهی اخلاقی در یک جامعه تحقیقی»، به بیان یافته‌های پژوهش حاصل از اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در کلاس می‌پردازد. این پژوهش با هدف بررسی فهم کودکان، احساسات و افکار آن‌ها، تعامل آن‌ها با یکدیگر در فرایند گفت‌وگو، عواملی که قضاوت و تعمیم‌های آن‌ها را شکل می‌دهد، انجام گرفته است. در این پژوهش، یک گروه از کودکان ۷ الی ۸ ساله و یک گروه از کودکان ۱۱ الی ۱۲ ساله، با ۲۹ تا ۳۰ شاگرد در هر کلاس درس، برای مطالعه انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرایند اجتماع‌پژوهشی، توان قضاوت اخلاقی کودکان را بالا می‌برد. مهارت‌هایی که در جریان اجتماع‌پژوهشی به دست می‌آورند، به کودکان کمک می‌کند با بیانات پیچیده اخلاقی سروکار داشته باشند و درباره آنچه که در یک معمای اخلاقی صحیح به نظر می‌رسد به گفت‌وگو بپردازند. همچنین، نتایج این پژوهش نشان‌دهنده این بود که موضوعات نیکی و احترام به دیگران، محور گفت‌وگوی کودکان را تشکیل می‌دهد و گفت‌وگو نقش مهمی در کمک به پرورش تفکر، ادراک، فهم، تحمل و احترام به دیگران ایفا می‌کند. گفت‌وگو رابطه شاگردان را بهبود می‌بخشد و در خلال آن، کودکان می‌آموزند که چگونه نظرات دیگران احترام بگذارند و اختلافات فردی را بپذیرند.

فیشر (۲۰۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «آموزش فلسفه در دبستان، تقویت مهارت‌های فکری و فرهنگ آموزش»، ضمن پرداختن به جنبه‌های گوناگون برنامه آموزش فلسفه به کودکان، به نکات تأثیرگذار این برنامه در بهبود مهارت تفکر از نظر معلمان اشاره می‌کند. فیشر خاطر نشان می‌کند که طبق پژوهش‌های انجام

جویس (۱۹۸۹) در پژوهش خود، با بهره‌گیری از تست پیشرفت کالیفرنیا نشان داد گروه آزمایشی که برنامه آموزش فلسفه برایشان به اجرا درآمد، نمرات بهتری را در آزمون‌های خواندن و زبان کسب کرده‌اند. نتایج پژوهش آبیرو و دنیل (۱۹۸۸) نشان داد که مهارت‌های استدلال و تفکر خلاق در گروه آزمایش، پس از انجام پس‌آزمون، بیشتر از گروه کنترل بوده است.

سایمون و چارلین (۱۹۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «فلسفه برای کودکان، با کودکان ناتوان در یادگیری»، از تأثیرات مثبت این برنامه در پرورش تفکر انتقادی دانش‌آموزان ناتوان در یادگیری، در گروه آزمایشی خبر دادند.

میشل (۱۹۹۴) در مؤسسه توسعه تفکر فلسفی برای کودکان (IAPC)، پس از ارزیابی تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان در میان ۹۵ دانش‌آموز گروه آزمایش از پایه‌های سوم و ششم در چهار گروه، و ۱۲۳ دانش‌آموز گروه کنترل در پنج گروه، به این نتیجه دست‌یافت که برنامه فلسفه برای کودکان در گروه اول و یک چهارم گروه دوم تأثیر مثبتی بر اعتماد به نفس و مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان داشته است. اما تأثیری بر اعتماد به نفس یک سوم دیگر نداشته و تنها مهارت‌های استدلال آن‌ها را بهبود بخشیده است.

واندنبیگ (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «دوستی و آموزش‌های اخلاقی: دو اصل بنیادین آموزش فلسفه برای کودکان» به نقد و بررسی کتابی با همین عنوان که توسط رید، جانسون و تونی نوشته شده است، می‌پردازد و در ضمن آن دیدگاه خود را درباره برنامه «فلسفه برای کودکان» شرح می‌دهد. واندنبیگ معتقد است سؤالات فلسفی ممکن است در هر عملی، حتی زیست‌شناسی، روان‌شناسی و فیزیک مطرح شوند. کودکان و نوجوانان باید برای دست یافتن به پاسخ این سؤالات منابع و یافته‌های علمی آن‌ها را بررسی کنند،



شده برنامه‌هایی که مهارت تفکر را بهبود می‌بخشند، تأثیر مثبتی بر دستاوردهای عملی دارند.

مراحل انجام پژوهش

این پژوهش، از منظر هدف، پژوهشی توسعه‌ای است. این روش ابعاد نظری و توصیفی-پیمایشی دارد. برای این منظور، در بُعد نظری این تحقیق، منابع و متون تخصصی در حوزه‌های برنامه درسی و آموزش فلسفه به کودکان مورد مطالعه قرار گرفت و اهداف آموزشی فلسفه به کودکان تعیین گردید. این پژوهش، به شیوه نظری انجام گرفته است. در گام نخست مبانی فلسفی، روان‌شناختی، جامعه‌شناسی و دانشی برنامه درسی براساس برنامه آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی استخراج و توصیف گردیده، سپس با تجزیه و تحلیل مبانی مورد بحث، برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان ارائه شده است. در بُعد توصیفی-پیمایشی پس از دست‌یابی به برنامه مطلوب، نظر متخصصان برنامه درسی و متخصصان آموزش فلسفه به کودکان نیز برای اعتبارسنجی اعمال شده است.

مطالعه مبانی نظری

برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان

برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان سعی دارد تمام عناصر یک برنامه درسی، از قبیل: هدف، محتوا، نقش معلم و شاگرد، روش تدریس، اصول طراحی و سازماندهی یک برنامه درسی را مدّ نظر قرار دهد (قضاوی، ۱۳۸۵: ۲۱). آموزش روش فکرکردن کلی‌ترین و عمومی‌ترین هدف این برنامه درسی است. به نظر لیمن هدف عمده این برنامه آموختن تفکر به کودکان است. اهداف کلی این برنامه که متوجه کل

پایه‌های درسی است و شامل پایه ۱ تا ۱۲ می‌شود، عبارت‌اند از: ۱) بهبود توانایی تعقل؛ ۲) رشد فردی و میان فردی؛ ۳) پرورش خلاقیت؛ ۴) پرورش درک اخلاقی؛ و ۵) پرورش توانایی مفهوم‌یابی در تجربه. در پایه اول، هدف تقویت مهارت‌های اصلی و اساسی مانند مقایسه متمایزسازی، مرتب‌ساختن، شکل‌بندی سؤالات، ارائه دلیل و قصه‌گویی است. در این پایه، بر فراگیری با توجه به اشکال ضمنی در محاورات روزمره کودکان تأکید می‌شود (لیمن، ۱۹۸۰: ۵۳). به نقل از قائدی (۱۳۸۵: ۶). این برنامه، در قالب داستان است و محتوای آن برگرفته از اهداف آموزشی است که در نتیجه استنباط از مبانی فلسفی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اهداف دوره ابتدایی و همچنین اهداف آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه لیمن است.

مبانی فلسفی

نظام فلسفی، چارچوب کلی و منسجمی از نگاه به عالم هستی، طبیعت، انسان و تکامل او، معرفت و چگونگی شکل‌گیری معرفت، ارزش‌ها و اخلاق فراهم می‌سازد که هر یک از این موارد مستقیماً نظام آموزش و پرورش و به تبع آن برنامه‌های درسی و فعالیت معلم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر، برنامه‌ریز درسی، برای سازماندهی دقیق فعالیت‌ها و تجربیات یادگیری برای ایجاد تغییرات مطلوب در فراگیران، نیاز به شناخت و آگاهی از آرای فلسفی و بررسی نقطه‌نظرات تربیتی آن‌ها درباره اهداف، روشها و محتوا دارد (سجادیان، ۱۳۸۸: ۹). اسامی تعدادی از فلاسفه و آراء و نظریات‌شان که با اهداف آموزش فلسفه به کودکان هماهنگی دارد، در جدول زیر آورده شده است که با توجه به آن، اهداف را از سخنان پژوهشگران استخراج و در جدول ارائه شده است.



جدول (۱). بررسی ریشه‌های تاریخی آموزش فلسفه کودکان از دیدگاه فیلسوفان و استخراج اهداف از این دلالت‌ها

کنجکاو نسبت به شناخت پدیده‌ها	سقراط: پرسیدن سؤالات اساسی در مورد مسائل زندگی، تأکید بر روش پرسش و پاسخ (قائدی، ۱۳۸۳) دکارت: تأکید بر اندیشیدن یا همان فلسفیدن (قائدی، ۱۳۸۳)
مهارت در فکر کردن و بیان مقصود	افلاطون: کمک به کودک در رشد و تعالی و تربیت تن و روان و زبان کودک و تأکید بر روش گفت‌وگو (قضاوی، ۱۳۸۶)
کنجکاو نسبت به شناخت پدیده‌ها	روسو: توجه به علائق، کنجکاو و آزادی کودک و تمایل ذاتی کودک به سؤال کردن و شگفت‌زده شدن (قائدی، ۱۳۸۳) کی کگارد: آموزش تخیل و پرورش تفکر خلاق و تأکید بر مسئولیت و تأکید بر انتخاب (قضاوی، ۱۳۸۶)
همکاری با دیگران	پیرس: تأکید بر روش اجتماع پژوهشی (قضاوی، ۱۳۸۶)
مهارت در فکر کردن و بیان مقصود	دیویی: تأکید بر تجربه و فعالیت کودک و پرورش قوه داوری صحیح کودک (قضاوی، ۱۳۸۶)
قناعت به حق خود و رعایت حقوق دیگران	لیبن: تأکید بر تربیت در یک جامعه دموکراتیک، متنوع، متکثر و متضاد (قضاوی، ۱۳۸۶)
پایبندی به انجام مسئولیت‌هایی که به او واگذار شده است	کی کگارد: آموزش تخیل و پرورش تفکر خلاف و تأکید بر مسئولیت و انتخاب (قضاوی، ۱۳۸۶)

مبانی روان‌شناختی

مطالعه فراگیران و ویژگی‌ها، نیازها و علائق گروه‌های مختلف دارد (سجادیان، ۱۳۸۸: ۱۱). در این قسمت، پژوهشگران با تأکید بر روان‌شناسی تربیتی، به بررسی ویژگی‌های جسمانی، عاطفی، اجتماعی، عقلانی کودکان ۶ تا ۷ سال پرداخته‌اند و با توجه آن‌ها اهدافی متناسب با این گروه سنی استخراج کرده‌اند که در جدول زیر به‌طور خلاصه ارائه شده است.

روان‌شناسی از مبانی برنامه درسی به‌شمار می‌رود و تصمیم‌گیرندگان حوزه برنامه درسی، بر مبنای یافته‌های روان‌شناسی تلاش می‌نمایند به برنامه‌های اثربخش‌تر دست یابند. پیوندی نزدیک بین مطالعات روان‌شناسی و برنامه درسی وجود دارد. برنامه‌ریز درسی نیاز به

جدول (۲). مبانی جامعه‌شناسی و استنباط اهداف از این دلالت‌های

اهداف	مطالب یا دلالت‌ها
کنجکاو نسبت به پدیده‌ها	- کودک علاقه دارد خود تجربه کند (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۴).
همکاری با دیگران	- علاقه به بازی‌های گروهی و جمعی (اصفهانی، ۱۳۷۶). - کودک برقراری ارتباط با دیگران را دوست دارد (قراچه داغی، ۱۳۸۲).
رعایت مقررات اجتماعی	- خودمیان‌بینی تعدیل می‌شود (رعایت حقوق دیگران) (اصفهانی، ۱۳۷۶). - ارزشیابی روابط بین فردی افراد و دیگران (اصفهانی، ۱۳۷۶، ص: ۴۲). - درک قوانین و قواعد بازی (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۴، ص: ۳۷).
مهارت در فکر کردن و بیان مقصود	- کودک دوست دارد صحبت کند و حرف‌زدن برایش از نوشتن آسان‌تر است (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۴، ص: ۲۸).
آشنایی با نحوه یادگیری خود	- قادر است اطلاعات را انتخاب و تغییر دهد (محمدی، ۱۳۸۵). - کودک نیروی اندیشه و استدلال را از طریق آزمایش و تجربه افزایش می‌دهد.
پایبندی به انجام مسئولیت‌هایی که بر عهده او می‌گذارند.	- از مسئولیت لذت می‌برد (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۴، ص: ۳۷).
مهارت در فکر کردن و بیان مقصود	- آماده کردن تفکر منطقی می‌شود. قوانین استدلال را از طریق تجربه از روابط بین اشیا درک می‌کند (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۴، ص: ۳۵). - به نسبت قضایای پی می‌برد و مقایسه می‌کند. - علاقه‌مند درک مفاهیم از طریق تجربه است (حججازی، ۱۳۸۳، ص: ۴۱).

مبانی جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی، معرفتی سازمان‌یافته از زندگی اجتماعی انسان است. جامعه‌شناسی به مطالعه عمل اجتماعی آدمی می‌پردازد و بر زندگی اجتماعی در جهان امروز متمرکز است. اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن کودک ناتوان به تدریج به شخص خودآگاه تبدیل می‌شود. اجتماعی شدن، نسل‌های مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در این جریان، تعامل بین افراد خردسال و

بزرگسال پدید می‌آید که در آن تجارب تازه‌ای برای هر دو حاصل می‌شود (سجادیان، ۱۳۸۸: ۲۳). در این پژوهش، پس از بررسی اهداف اجتماعی، رشد اجتماعی، تعامل محیطی، پذیرش اجتماعی و انواع مسئولیت با توجه به رشد فیزیکی و روان‌شناسی و اجتماعی کودک، پژوهشگران اهدافی را استنباط کردند که در جدول زیر به آن‌ها اشاره شده است.

جدول (۳). دلالت‌های مبانی جامعه‌شناختی و استنباط اهداف از این دلالت‌ها

اهداف	دلالاتها
قناعت به حق خود و رعایت حقوق دیگران	پرورش روحیه عدالت‌خواهی و داوری به حق و پذیرش آن (شریعتمداری، ۱۳۸۱: ۴۶)
رعایت مقررات اجتماعی	کودک رشد و نمو اجتماعی را در درون فعالیت اجتماعی تجربه می‌کند. قانون‌شناس باشد و عامل به قانون و مقررات حق باشد (فخرایی، ۱۳۷۵: ۴۶)
آشنایی با نحوه یادگیری خود	خود را بشناسد و به ارزش خویش واقف باشد (فخرایی، ۱۳۷۵: ۷۳)
پایبندی به انجام وظایف و مسئولیت‌هایی که بر عهده او می‌گذارند.	خود را مسئول حفظ آزادی و عقاید خود بداند (فخرایی، ۱۳۷۵: ۷۳) در راه هدف استقامت کند (فخرایی، ۱۳۷۵) استقلال فکری و عملی خود را از دست ندهد (فخرایی، ۱۳۷۵)

مبانی دانش

هر برنامه درسی با یکی از رشته‌های علمی ارتباط دارد. این ساختار که ابعادی چون مفاهیم و اصول، مهارت‌ها و نگرش‌ها، روش تحقیق و اهداف خاص آن علم به خصوص را دارد، مبانی را برای انتخاب اهداف برنامه درسی به وجود می‌آورد که برنامه‌ریزان درسی را در این امر متأثر می‌سازد. برای تعیین اهداف آموزشی یک برنامه درسی، شناخت ساختار علمی آن رشته

علمی ضروری است (ملکی، ۱۳۸۷: ۴۰). در این بخش، ادبیات کودک، تاریخچه ادبیات کودک، کارکردهای ادبیات برای کودکان، داستان و تأثیر آن بر تربیت کودک، فواید و ویژگی‌های داستان برای کودکان و داستان‌های فلسفی و ویژگی‌های آن بررسی شده است (سجادیان، ۱۳۸۸: ۴۳-۲۷) که با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، پژوهشگران اهدافی را استنباط کرده‌اند که در جدول زیر آمده است.

جدول (۴). ادبیات کودک و استنباط اهداف از دلالت‌های آن

اهداف	دلالاتها
مهارت در فکر کردن و بیان مقصود و خواندن و نوشتن	۱. ادبیات کودکان در شناخت مشکلات زندگی و زبان‌آموزی کلمات تازه نقش اساسی دارد (شعاری نژاد، ۱۳۸۵) - تربیت نیروی بیان و فکر؛ - پرورش هنر گوش‌دادن؛



	- گسترش و ترغیب تفکر، تعقل، تمرکز حواس، گسترش اطلاعات و تجارب؛ - تقویت قدرت فهم و بیان و خلاقیت و یادگیری بهتر زبان؛ - افزایش گنجینه‌های لغات و واژگان در آن‌ها و یادگیری بهتر زبان.
آشنایی با نحوه تفکر خودشناسی	۲. پرورش تفکر انتقادی و شکل‌دهی به تجربیات کودک (مختاری، ۱۳۸۵)
رعایت مقررات اجتماعی	۳. آشنایی با مقررات و هنجارهای اجتماعی و دستورالعمل‌های زندگی.
کنجکاوی برای شناخت پدیده‌ها	۴. آشنایی با حقایق و تجارب زندگی.

فهرست اولیه اهداف بر اساس مبانی نظری

مطالعه و پژوهش در مورد همه عناصر برنامه درسی به یکباره و در یک طرح صورت نمی‌گیرد چراکه همه عناصر برنامه درسی، ضمن آنکه هر کدام از آن‌ها حوزه مشخصی را در برنامه درسی دنبال می‌کنند و در یک برنامه درسی به صورت هماهنگ تلفیق می‌گردند، در یک پژوهش قابل بررسی نیستند. بنابراین، بررسی مبانی نظری انجام‌شده، زیربنای نظری مناسبی را برای تحقیق ضروری می‌سازد. اهداف استخراج‌شده از مبانی نظری، نکات قابل‌توجهی را در زمینه سطوح اهداف، حیطه‌های مورد بررسی و نقش آن در سایر عناصر برنامه درسی به دنبال خواهد داشت. لذا برای تعیین اهداف برنامه درسی، چند منبع اطلاعاتی مورد مطالعه قرار گرفته است. این مطالعه هر

قدر عمیق‌تر باشد شناخت برنامه‌ریزان از منابع اطلاعاتی تقویت شده و هدف‌های مناسب‌تری تعیین می‌شوند (ملکی، ۱۳۸۲: ۵۷). نظریات فیلسوفان گذشته در مورد امکان آموزش فلسفه به کودکان، روان‌شناسی کودک، جامعه‌شناسی کودک، ادبیات کودک، برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان و اهداف دوره ابتدایی (اهداف دوره ابتدایی جمهوری اسلامی ایران مصوب ششصد و هفتمین جلسه شورای عالی ۱۳۷۹/۳/۱۶، شامل اهداف اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، زیستی، سیاسی، اقتصادی) به‌عنوان منابع اساسی تعیین اهداف مورد مطالعه قرار گرفته است. از این‌رو، بر اساس این مبانی، فهرست مقدماتی اهداف به صورت خزانه اهداف در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۵). فهرست مقدماتی اهداف بر اساس مبانی نظری

اهداف آموزش فلسفه به کودکان	اهداف دوره ابتدایی با توجه به اهداف زیستی-اجتماعی و علمی
- بهبود توانایی تعقل	- همکاری با دیگران
- پرورش خلاقیت	- رعایت مقررات اجتماعی
- رشد فردی و میان‌فردی	- مهارت در فکر کردن و بیان مقصود و خواندن و نوشتن
- پرورش توانایی مفهوم‌یابی در تجربه	- پایبندی به وظایف و مسئولیت‌هایی که بر عهده می‌گیرند
	- قناعت به حق خود و رعایت حقوق دیگران

با استفاده از اهداف دوره ابتدایی و اهداف آموزش فلسفه به کودکان، پژوهشگران اقدام به استنباط اهدافی متناسب با کودکان ۶ تا ۷ سال نموده‌اند. کودکان در برخورد و تعامل با یکدیگر و نیز برای یادگیری شخصی نیاز به مهارت‌هایی دارند که در پیگیری

اهداف زیر دنبال می‌شود: اهداف آموزش فلسفه به کودکان به دنبال پرورش و تقویت تعقل و تفکر در کودکان، پرورش مهارت‌های ارتباط فردی و بین‌فردی و اجتماعی در کودکان در جریان ارتباط و تعامل فکری با یکدیگر و اهداف دوره ابتدایی با توجه به اهداف

زیستی، اجتماعی، علمی، به‌دنبال رشد و تقویت مهارت‌های فکری و مهارت‌های اجتماعی در کودکان است. لذا با توجه به ویژگی‌های مشترک این اهداف، پژوهشگر اقدام به استنباط اهداف زیر نموده‌است. اهداف پیشنهادی برنامه درسی بر اساس آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی:

۱. پرورش سخنگویی
۲. پرورش روحیه پرسشگری و نقادی
۳. کمک به رشد استقلال کودک
۴. آموزش مسئولیت‌پذیری
۵. تقویت روحیه انتقادپذیری و تحمل عقاید دیگران
۶. پرورش مشارکت در فعالیت‌های گروهی.

محتوا

یکی از عناصر اصلی برنامه درسی محتوای آن است. معیارهای مختلفی برای انتخاب محتوا بیان شده

است که عبارت‌اند از: (۱) محتوا باید متناسب با تخیل و تفکر فراگیران باشد (تناسب با توانایی‌ها و علائق فرد) (۲) در محتوا باید رفتارهایی را که انتظار داریم دانش‌آموزان از خود بروز دهند به آن‌ها بیاموزیم. (۳) محتوا باید با رشد همه‌جانبه فرد و اهداف تناسب داشته باشد (موسی‌پور، ۱۳۸۲: ۶۳). با توجه به اینکه محتوای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در قالب داستان است لذا با توجه به مطالب فوق در انتخاب محتوای برنامه درسی p4c و با توجه به اهداف به‌دست آمده، محتوایی انتخاب شد که شامل انتخاب اصطلاحات از کتاب فیشر با توجه به رشدشناختی کودک در پایه اول ابتدایی که می‌توان از آن‌ها در نوشتن داستان‌های فلسفی استفاده کرد. اصطلاحات پیشنهادی شامل موارد جدول زیر است.

جدول (۶). جدول اصطلاحات مرتبط با رشد شناختی

لغات / مفاهیم	سن / سطح
گوش‌دادن، صحبت کردن، تفکر، افکار، نظرات تصورکردن، قوه تخیل، پرسش‌ها، پاسخ‌ها دلیل، قانون، قوانین، موافقت، مخالفت، متالف، تعمیم راه حل، درست، نادرست انصاف، بی‌انصاف، راستی، دروغ، واقعی، غیرواقعی شبیبه، متفاوت	۶ تا ۷ سال کلاس اول

منبع: فیشر، ۱۳۸۵

توانایی‌های آن‌ها در انتخاب روش تدریس بسیار مهم است. طبعاً در پایه اول ابتدایی نیز روش‌ها باید با نیازها و علائق دانش‌آموزان این دوره و فلسفه آموزش دوره ابتدایی هماهنگ باشد. از جمله ویژگی‌های دانش‌آموزان این دوره، کنجکاوی و پرسشگری و علاقه به فعالیت‌های گروهی است و معمولاً به مشارکت در کار گروهی و بروز توانایی‌ها و قابلیت‌های خود علاقه‌مند هستند. بنابراین، باید از این علاقه‌مندی به

روش‌های تدریس مبتنی بر p4c

راهبردهای یاددهی-یادگیری، شیوه‌های گوناگونی هستند که در فرایند یاددهی-یادگیری توسط معلم و دانش‌آموزان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

انتخاب راهبردهای یاددهی-یادگیری مناسب جزء فرایند برنامه‌ریزی محسوب می‌شود. راهبردهای یاددهی-یادگیری برای رساندن دانش‌آموزان به اهداف آموزشی انتخاب می‌شود و توجه به علاقه، نیاز و



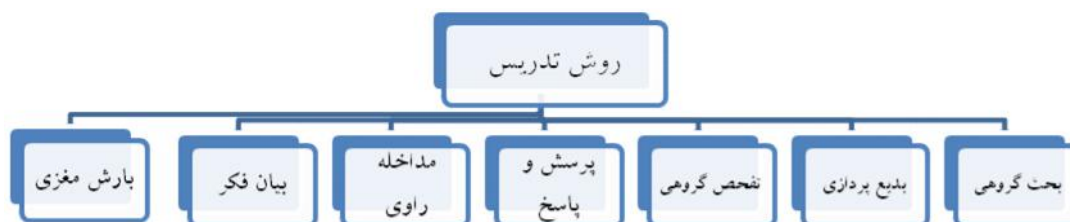
- فراهم آوردن فرصت‌های فعالیت گروهی برای دانش‌آموزان.

از آنجا که ماهیت برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان بر اساس کار گروهی است و با رشد اجتماعی دانش‌آموزان سروکار دارد، لذا استفاده از روش‌های متنوع و فعال یادگیری، امری اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، با توجه به ویژگی‌های پایه اول ابتدایی، دانش‌آموزان این دوره و اهداف این برنامه، فرایند یاددهی-یادگیری برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در این پایه شامل موارد زیر است: روش بحث گروهی، روش یادگیری مشارکتی، روش تفحص گروهی، بدیع‌پردازی و بارش مغزی، مداخله راوی و پرسش و پاسخ.

نحو احسن بهره گرفت. در برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان چون اصولاً فعالیت گروهی مطرح است، روش تدریس نیز غالباً گروهی و دسته‌جمعی است. از این رو، در این برنامه، روش‌های تدریس بر اساس ملاک‌های خاصی تعیین می‌شود که برخی از این ملاک‌ها عبارت‌اند از:

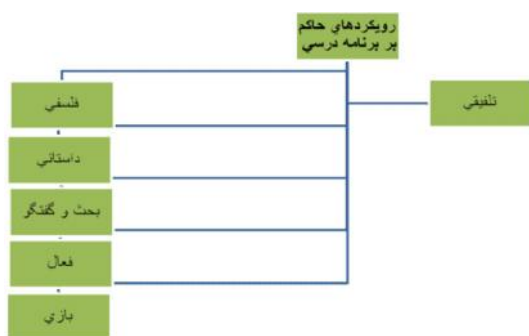
- به حداکثر رساندن سطح مشارکت دانش‌آموزان؛
- تقویت روح احترام به یکدیگر؛
- تشویق دانش‌آموزان به پرسیدن سؤال از یکدیگر و از معلم.
- فراهم آوردن زمینه درگیری فعالانه دانش‌آموزان در فرایند تدریس؛ و

نمودار (۱). روش‌های تدریس p4c



رویکردهای آموزشی برنامه درسی p4c

رویکردهای آموزش فلسفی، با توجه به نوع تحقیق مورد نظر، در قالب نمودار نشان داده شده‌است. برای اعتبارسنجی برنامه درسی طراحی‌شده، دیدگاه‌های برخی از متخصصین برنامه درسی و کارشناسان آموزش فلسفه به کودکان از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جمع‌بندی مباحث به‌صورت زیر است:



جدول (۷). میانگین نمره درصدی اهداف برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان بر اساس نظرات متخصصین

میزان ارتباط و تناسب اهداف آموزشی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان با اهداف پایه اول ابتدایی	بسیار زیاد (۵)		زیاد (۴)		متوسط (۳)		کم (۲)		بسیار کم (۱)		جمع		میانگین نمره	میانگین درصد
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۱. پرورش سخنگویی	۱۵٪	۳	۷۵٪	۱۵	۱۰٪	۲	۰٪	۰	۰٪	۰	۱۰۰٪	۲۰	۴/۵	۸۱٪
۲. پرورش روحیه پرسشگری و نقادی	۸۵٪	۱۷	۱۰٪	۲	۵٪	۱	۰٪	۰	۰٪	۰	۱۰۰٪	۲۰	۴/۸۰	۹۸٪
۳. کمک به رشد استقلال کودک	۷۵٪	۱۵	۱۵٪	۳	۱۰٪	۲	۵٪	۰	۰٪	۰	۱۰۰٪	۲۰	۴/۶۵	۹۳٪
۴. آموزش مسئولیت‌پذیری	۱۵٪	۳	۶۰٪	۱۲	۲۵٪	۵	۰٪	۰	۰٪	۰	۱۰۰٪	۲۰	۳/۹۰	۷۸٪
۵. تقویت روحیه انتقادپذیری و تحمل عقاید دیگران	۱۵٪	۳	۷۵٪	۱۵	۱۰٪	۲	۵٪	۰	۰٪	۰	۱۰۰٪	۲۰	۴/۰۵	۸۱٪
۶. پرورش مشارکت در فعالیت‌های گروهی	۱۵٪	۳	۷۵٪	۱۵	۱۰٪	۲	۰٪	۰	۰٪	۰	۱۰۰٪	۲۰	۴/۰۵	۸۱٪

ارزیابی کرده‌اند. به‌طورکلی، ۹۳ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۴/۶۵، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۱۵ درصد از پاسخگویان، آموزش مسئولیت‌پذیری را بسیار زیاد، ۶۰ درصد زیاد و ۲۵ درصد این هدف را متوسط ارزیابی کرده‌اند. به‌طورکلی، ۷۸ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۳/۹۰، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۱۵ درصد از پاسخگویان تقویت روحیه انتقادپذیری و تحمل عقاید دیگران را بسیار زیاد، ۷۵ درصد زیاد و ۱۰ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به‌طورکلی، ۸۱ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۴/۰۵، این هدف را مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۱۵ درصد از پاسخگویان پاسخ‌دهندگان پرورش مشارکت در فعالیت‌های گروهی را بسیار زیاد، ۷۵ درصد زیاد و ۱۰ درصد این هدف را متوسط ارزیابی کرده‌اند. به‌طورکلی، ۸۱ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۴/۰۵، این هدف را مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

جدول فوق وضعیت شش هدف آموزشی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی را از دیدگاه پاسخگویان نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد پاسخگویان اهداف پیشنهادی را در حد مطلوب و نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

بر اساس این جدول:

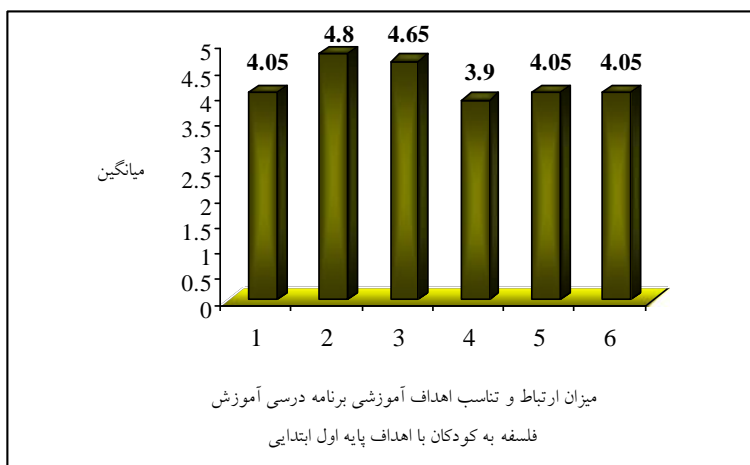
۱۵ درصد از پاسخگویان هدف پرورش سخنگویی را بسیار زیاد، ۷۵ درصد زیاد و ۱۰ درصد این هدف را متوسط ارزیابی کرده‌اند. به‌طورکلی، ۸۱ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۴/۵، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۸۵ درصد از پاسخگویان، هدف پرورش روحیه پرسشگری و نقادی را بسیار زیاد، ۱۰ درصد زیاد و ۵ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به‌طورکلی، ۹۶ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۴/۸۰، این هدف را مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۷۵ درصد از پاسخگویان، کمک به رشد استقلال کودک را بسیار زیاد، ۱۵ درصد زیاد و ۱۰ درصد متوسط



نمودار (۲). میزان تناسب اهداف برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان



- **راهنمای نمودار: ۱. پرورش سخنگویی
 ۲. پرورش روحیه پرسشگری و نقادی
 ۳. کمک به رشد استقلال کودک
 ۴. آموزش مسئولیت پذیری
 ۵. تقویت روحیه انتقادپذیری و تحمل عقاید دیگران
 ۶. پرورش مشارکت در فعالیت‌های گروهی

جدول (۸). میانگین نمره درصدی مؤلفه‌های برنامه درسی مبتنی بر آموزش فلسفه به کودکان بر اساس نظرات متخصصین

میانگین نمره	میانگین درصد	جمع		بسیار کم (۱)		کم (۲)		متوسط (۳)		زیاد (۴)		بسیار زیاد (۵)		میزان تناسب مؤلفه‌های پیشنهادی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳/۹۵	%۷۹	%۱۰۰	۲۰	-	-	%۰	-	%۱۵	۳	%۷۵	۱۵	%۱۰	۲	اهداف کلی برنامه درسی
۳/۹	%۷۸	%۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰	۲	%۱۵	۳	%۸۰	۱۶	%۵	۱	کفایت اهداف کلی برنامه درسی
۴/۸۵	%۹۷	%۱۰۰	۲۰	-	-	-	-	%۵	۱	%۵	۱	%۹۰	۱۸	اهداف پالایش شده برنامه درسی
۳/۹۵	%۷۹	%۱۰۰	۲۰	-	-	%۵	۱	%۱۰	۲	%۸۵	۱۷	%۵	۱	کفایت اهداف پالایش شده
۳/۹۵	%۷۹	%۱۰۰	۲۰	-	-	-	-	%۱۰	۲	%۸۵	۱۷	%۵	۱	رئوس محتوای برنامه درسی
۳/۹۵	%۷۹	%۱۰۰	۲۰	-	-	-	-	%۱۰	۲	%۸۵	۱۷	%۵	۱	روش‌های تدریس
۴/۹		%۱۰۰	۲۰	-	-	-	-	%۰	۰	%۱۰	۲	%۹۰	۱۸	رویکردهای آموزش برنامه درسی

به‌طورکلی، ۷۹ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۳/۹۵، این مؤلفه را مطلوب ارزیابی کرده‌اند. ۵ درصد از پاسخگویان کفایت اهداف این برنامه را بسیار زیاد، ۸۰ درصد زیاد و ۱۵ درصد متوسط ارزیابی

نتایج جدول نشان می‌دهد: ۱۰ درصد از پاسخگویان اهداف کلی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی را ۱۰ درصد بسیار زیاد، ۷۵ درصد زیاد و ۱۵ درصد این اهداف را متوسط ارزیابی کرده‌اند.

پیشنهادی را بسیار زیاد، ۸۵ درصد زیاد و ۱۰ درصد این مؤلفه را متوسط ارزیابی کرده‌اند. به‌طورکلی، ۷۹ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۳/۹۵، این مؤلفه را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۵ درصد از پاسخگویان راهبردهای یاددهی-یادگیری برنامه را بسیار زیاد، ۸۵ درصد زیاد و ۱۰ درصد این مؤلفه را متوسط ارزیابی کرده‌اند. به‌طورکلی، ۷۹ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۳/۹۵، این مؤلفه را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۹۰ درصد از پاسخگویان رویکردهای آموزش برنامه درسی پیشنهادی را بسیار زیاد، ۱۰ درصد زیاد ارزیابی کرده‌اند. به‌طورکلی، ۹۸ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۴/۹، این مؤلفه را مطلوب ارزیابی کرده‌اند. نمودار ۳ وضعیت فوق را نشان می‌دهد.

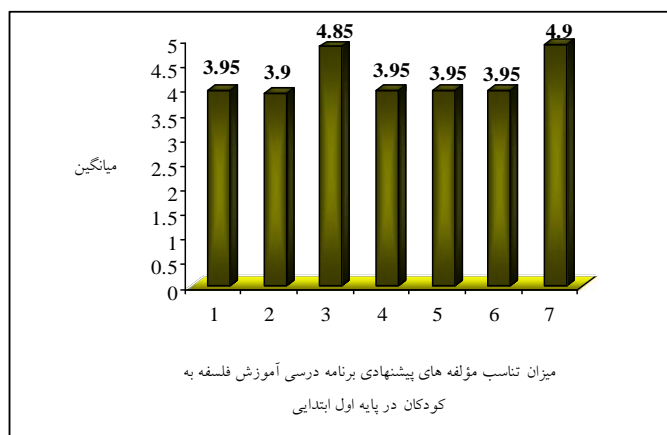
کرده‌اند. به‌طورکلی، ۷۸ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۳/۹، این مؤلفه را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۹۰ درصد از پاسخگویان اهداف پالایش شده را بسیار زیاد، ۵ درصد زیاد و ۵ درصد این مؤلفه را متوسط ارزیابی کرده‌اند. به‌طورکلی، ۹۷ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۴/۸۵، این مؤلفه را مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۵ درصد از پاسخگویان کفایت اهداف پالایش شده را بسیار زیاد، ۸۵ درصد زیاد و ۱۰ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به‌طورکلی، ۷۹ درصد از پاسخگویان با میانگین نمره ۳/۹۵، این مؤلفه را مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۵ درصد از پاسخگویان رئوس محتوای برنامه درسی

نمودار (۳). میزان تناسب مؤلفه‌های پیشنهادی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان



- *راهنمای نمودار: ۱. اهداف کلی برنامه درسی
 ۲. کفایت اهداف کلی برنامه درسی
 ۳. هدف‌های پالایش شده برنامه درسی
 ۴. کفایت اهداف پالایش شده
 ۵. رئوس محتوای برنامه درسی
 ۶. رویکردهای آموزش برنامه درسی

بحث و نتیجه‌گیری

محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری و رویکردهای آموزشی انتخاب و ارائه گردید. نتایج به دست آمده از تحقیق حاکی از آن است که اهداف پیشنهادی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی

در این پژوهش، با توجه به نیاز دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی، اهداف برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان تعیین و در نهایت بر اساس این اهداف، رئوس



مطابق با نیازهای رشد شناختی دانش‌آموزان است. برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان اجزا و مؤلفه‌هایی دارد که رئوس محتوای آن را تشکیل می‌دهد. روش‌های تدریس متناسب با این برنامه روش‌های فعال و مشارکتی است. رویکردهایی که مورد استفاده قرار می‌گیرند اغلب بر مشارکت و فعالیت کودک تأکید دارد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، ۷۹ درصد از متخصصین برنامه‌ریزی درسی و آموزش فلسفه به کودکان، اهداف پیشنهادی را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند و ۷۹ درصد پاسخگویان رئوس محتوا و ۷۵٪ راهبردهای یادگیری-یادگیری و ۸۰ درصد از متخصصین نیز رویکردهای حاکم را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، می‌توان اظهار داشت برنامه درسی طراحی شده از اعتبار مناسبی برخوردار است.

منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴). «تاریخ اساطیری ایران». تهران: انتشارات سمت.
- آیسنک، مایکل. (۱۳۷۹). «فرهنگ توصیفی روان‌شناسی شناختی». ترجمه خرازی، عقیلی و همکاران. تهران: نشر نی (با همکاری مؤسسه مطالعات علوم شناختی).
- احدی، حسن و جمهری، فرهاد. (۱۳۷۶). «روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان». تهران: پردیس.
- احدی، حسن. (۱۳۸۶). «روان‌شناسی رشد». تهران: انتشارات بنیاد.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۷۹). «چکیده‌ای از روان‌شناسی تربیتی». تهران: سازمان انجمن اولیاء و مربیان.
- پارسا، محمد. (۱۳۸۵). «روان‌شناسی تربیتی». تهران: نشر سخن.
- پارسا، محمد. (۱۳۶۷). «روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان». تهران: نشر بعثت.
- حاج نصرالله، شکوه. (۱۳۸۴). «چگونگی طرح مفاهیم انتزاعی در ادبیات کودکان». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*. شماره ۲۱.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۷۳). «ادبیات کودکان و نوجوانان (ویژگی‌ها و جنبه‌ها)». تهران: نشر مرکز.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۸۳). «ادبیات کودک و نوجوان». تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۲). «معصومیت و تجربه (درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک)». تهران: نشر مرکز.
- خدایار محبی، شفیقه. (۱۳۷۶). «ادبیات فلسفی برای کودکان». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*. شماره ۱۰.
- جعفرقلیان، طاهره. (۱۳۷۷). «ادبیات کودک». تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- دوگه، رزماری. (۱۳۸۲). «توان‌های آموزشی ادبیات». ترجمه ن. اکبری. *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*. سال دهم، شماره ۳۷.
- رحمانیان، لیلا. (۱۳۸۶). «ارائه الگوی برنامه‌درسی فاوا در دوره ابتدایی با تأکید بر هدف و محتوا». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.
- سجادیان جاغرق، نرگس. (۱۳۸۸). «طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۰). «روان‌شناسی پرورشی». تهران: نشر آگاه.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۶۲ و ۱۳۸۱). «جامعه تعلیم و تربیت». تهران: انتشارات امیر اکبر.



- شعبانی، حسن. (۱۳۸۰). «مهارت‌های آموزش و پرورش». تهران: انتشارات سمت.
- شعبانی، حسن. (۱۳۸۴). «روش تدریس پیشرفته». تهران: انتشارات سمت.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). «ادبیات کودکان». تهران: انتشارات اطلاعات.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۰ و ۱۳۸۵). «روان‌شناسی پرورشی». تهران: نشر آگاه.
- شکوهی، غلام‌حسین. (۱۳۷۴ و ۱۳۶۴). «تعلیم و تربیت و مراحل آن». مشهد: انتشارات آستان قدس.
- صافی، احمد. (۱۳۸۴). «آموزش و پرورش ابتدایی، متوسطه». تهران: انتشارات سمت.
- عطاران، محمد. (۱۳۷۵). «آرای مربیان بزرگ درباره تربیت کودک». تهران: انتشارات مدرسه.
- فیشر، رابرت. (۱۳۸۵). «آموزش تفکر به کودکان». ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان. اهواز: انتشارات رسش.
- فیشر، رابرت. (۱۳۸۵). «آموزش و تفکر». ترجمه فروغ کیان زاده. اهواز: انتشارات رسش.
- فخرایی، سارا. (۱۳۸۰). «بررسی روش‌های عملی جذب مشارکت دانش‌آموزان دوره متوسطه تبریز در امور آموزشی و پرورش». فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۶۷.
- قضاوی، خدیجه. (۱۳۸۶). «نقد و بررسی برنامه آموزش فلسفه به کودکان پایه سوم ابتدایی، پیکسی، بر اساس اصول برنامه درسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
- قائدی، یحیی. (۱۳۸۲). «بررسی مبانی نظری برنامه آموزش فلسفه به کودکان». رساله دکترا. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
- قائدی، یحیی. (۱۳۸۳). «مبانی آموزش فلسفه به کودکان». تهران: انتشارات داوین.
- قائدی، یحیی. (۱۳۸۸). «برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره متوسطه و راهنمایی». فرهنگ (ویژه فلسفه برای کودکان و نوجوانان). پژوهشگاه علوم انسانی. سال بیست‌ودوم. شماره اول. پیاپی ۶۹.
- کریمی، ی. (۱۳۷۸). «روان‌شناسی اجتماعی تعلیم و تربیت». تهران: نشر ویرایش.
- کلارک، مارگارت. (۱۳۸۵). «نوشتن برای کودکان». ترجمه ثریا قزل ایاق. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کم، فیلیپ. (۱۳۷۹). «داستان‌های فکری: کند و کاو فلسفی برای کودکان» (ج ۱ و ۲). ترجمه احسانه باقری. تهران: امیر کبیر.
- کیلونا، توماس. (۱۳۸۳). «روان‌شناسی رشد». ترجمه مهدی قراچه داغی. تهران: نشر دایره.
- گال مردیت، بورگ و والتر، جویس. (۱۳۸۶). «روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی». ترجمه جمعی از همکاران. تهران: انتشارات سمت.
- لوی، الف. (۱۳۸۶). «مبانی برنامه‌ریزی درسی مدارس». ترجمه فریده مشایخ. تهران: انتشارات مدرسه.
- لیو کنز، ربکا و اقبال‌زاده، شهرام. (۱۳۸۲). «ادبیات چیست؟». کتاب ماه، ماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب. سال هفتم. شماره ۵.
- محمدی، محمد هادی و قاینی، زهره. (۱۳۷۸). «تاریخ ادبیات ایران» (ج ۱-۳). تهیه شده در بنیاد پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان ایران. تهران: انتشارات چیستا.
- مرعشی، منصور. (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر روش اجتماع-پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان و پرورش مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان پسر پایه سوم

Fisher, R. (2001). "Philosophy In Primary School: Fostering thinking skills and literacy". Reading, Literacy and Language. Cleghorn, p. why philosophy with children. Education review, vol. 15.No.20

Kennedy, D. (1999). "Philosophy For Children And Recons Truction, Philosophy". Metaphilosophy. Vol. 30. No.(4).

Lipman,m (2005) " Teaching Student to Think Reasonably": some findings of the philosophy for children ptogram. Academic search premier. Vol.71 ,Eddition5

Reed, A. (1968-1990) .& Oscanyan, F.S., (1934-1990). "Studies in Philosophy For Children Philosophy " 1990,P.10-12

Smith, (1990). "Concept Formation". <http://www.Google.com / search? hl. Concept + formation>.

راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز». رساله دکتری، دانشگاه شهید اچمران اهواز.

ملکی، حسن. (۱۳۸۰). «مبانی برنامه‌ریزی درسی». تهران: انتشارات سمت.

ملکی، حسن. (۱۳۸۲ و ۱۳۸۷). «برنامه‌درسی راهنمای عمل». مشهد: نشر پیام اندیشه.

موسی‌پور، نعمت‌اله. (۱۳۸۲). «مبانی آموزش متوسطه». مشهد: نشر آستان قدس رضوی.

میرزابیگی، علی. (۱۳۸۰). «برنامه درسی و طرح درس». تهران: نشر سیطرون.

ناجی، سعید. (۱۳۸۷). «کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوان، گفتگو با پیشگامان». تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ندیمی، محمدتقی و بروج، محمدحسین. (۱۳۸۵). «آموزش و پرورش سه مقطع». تهران: نشر مهرداد.

نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۷۹). «نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش». تهران: انتشارات طهوری.

نودلמן، پری و رامر، ماویس. (۱۳۸۴). « لذت‌های ادبیات». ترجمه نیلوفر مهدیان. کتاب ماه، ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب. سال هشتم. شماره ۸.

هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۵). «بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب‌های درسی پایه پنجم دوره ابتدایی». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شیراز.